



چکیده مقالات

ہمایش تاریخ و علوم سیاسی

دبیران علمی ہمایش:

حسینعلی نوذری - داریوش رحمانیان

اعضای کمیٹہ علمی ہمایش:

سیدہاشم آقاجری - شقایق حیدری - جواد غلامرضا کاشی

احمد گل محمدی - حسین مفتخری - عباس منوچہری





چکیده مقالات همایش تاریخ و علوم سیاسی

پژوهشکده تاریخ اسلام
گروه تاریخ و همکاری‌های میان‌رشته‌ای

دبیران علمی همایش
حسینعلی نوذری - داریوش رحمانیان

اعضای کمیته علمی همایش
سیدهاشم آقاجری - شقایق حیدری - جواد غلامرضا کاشی
احمد گل‌محمدی - حسین مفتخری - عباس منوچهری

خرداد ماه ۱۳۹۳

فهرست مطالب

- ۱۱ تحلیل گفتمان روایت‌های جنبش مشروطه در کتاب‌های درسی تاریخ
- ۱۲ نسبت سنجی مفاهیم سیاسی با زبان اجتماعی در ترجمه‌های دوره مظفرالدین شاه
- ۱۴ کاربرد مفهوم «جامعه پذیری سیاسی» در پژوهش تاریخی: مطالعه موردی مصر در عهد ایوبیان
- ۱۶ تاثیر گذاری علل خاص و عام بر رخداد‌های تاریخی؛ مطالعه موردی ایران در سده بیستم
- ۱۹ رویکرد «تحلیلی» افقی نو در همکاری‌های میان رشته‌ای؛ مورد تاریخ سیاسی
- ۲۲ بایسته‌های پژوهش در تاریخ‌نگاری اندیشه سیاسی
- ۲۴ نسبت علم سیاست و تاریخ نزد ارسطو و توسیدید
- ۲۵ امکان تعامل تاریخ و علوم سیاسی در سویه هنجاری فهم پدیده‌های تاریخی
- ۲۶ علوم سیاسی و تاریخ؛ نقد منصفانه، همکاری عالمانه در جهت پیشرفت
- ۲۸ بررسی روابط مفهومی تاریخ، سیاست و هویت از منظر سیاست‌گذاری آموزشی
- ۳۰ ضرورت گفتگوی تاریخ و سیاست: یک نگاه فلسفی
- ۳۱ بایستگی تاریخ‌دانی در بازشناسی بنیان‌های تاریخی زایش قوانین اساسی
- ۳۳ تحلیل محتوا: عرصه تعامل و همکاری تاریخ و علوم سیاسی
- ۳۴ تاریخ‌نگاری و امکان گذار از ایدئولوژی و یوتوپیا

بایستگی تاریخ‌دانی در بازشناسی بنیان‌های تاریخی زایش قوانین اساسی

محسن خلیلی

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
khalilim@um.ac.ir

چکیده: تاریخ و علوم سیاسی، پیوندی تنگاتنگ دارند. تاریخ، عبارت از روایت رخداد‌های هم‌پیوند با کشاکش در عرصه‌ی قدرت است، میان فرمان‌روایان و فرمان‌بران. قانون اساسی، یک متن است؛ صامت و خاموش. تولید هر متن در شرایط ویژه و در پیوند با قدرت صورت می‌پذیرد. آفرینش قوانین اساسی، بستری تاریخی دارد و دست‌آمد انباشتگی روی داده‌های گوناگون تاریخی است؛ اما، قوانین اساسی، در واقع، یک «آبر نهاد» اند که تمامی نهادهای سیاسی را در خود، آمیخته‌اند. نهادهای سیاسی، پدیده‌هایی زمان‌مند/مکان‌مند هستند و زین سبب، تاریخی‌اند. در واقع، قانون اساسی، بیش از آن که یک «مادر نهاد» حقوقی باشد، یک متن مالامال از «تاریخ» است که بازشناسی و بازنمون درون‌مایه‌های آن، در گرو پدیدارشدن فرارشتگی است. اگر بتوان از پژوهش‌هایی هم‌چون تأثیر تحولات سیاسی/تاریخی بر شکل‌گیری مضامین اصول قانون اساسی، سخن گفت، آن‌گاه مشخص می‌شود که نگاه تک‌بعدی تا چه حد می‌تواند کوتاه‌بینانه باشد؛ زیرا، به‌جای شناخت موضوع، به بدفهمی آن‌چه که بناست شناخته شود، منجر می‌گردد. نگارنده، می‌کوشد با بهره‌گیری از پنج موضوع قانون اساسی ایران، نشان دهد که اصول حقوقی قانون اساسی، در واقع، تاریخی‌اند و بدون شناخت ژرف پس‌مایه‌ها و زمانه‌ی تاریخی آفرینش آن‌ها، کژفهمی‌های شگفتی در بازشناسی بُن‌مایه‌ها و درون‌مایه‌های پیدایش‌شان، پدیدار می‌گردد. پنج موضوع پژوهش در دست‌انجام، چنین‌اند: «نظارت استصوابی موضوع اصل نودونهم قانون اساسی»، «تک‌افتاده‌گی واژه‌ی رهبری در حکم بازنگری قانون اساسی»، «پیدایش واژه‌ی دوپهلوی رجال در اصل یک‌صد و پانزدهم قانون اساسی»، «پیدایش سه‌گانه‌گی اقتصادی در اصل چهل و سوم قانون اساسی»، و «زایش و پیدایش اصل ولایت‌فقیه در قانون اساسی انقلابی نوپدید».

واژگان مهم: تاریخ، علوم سیاسی، قانون اساسی، تاریخ سیاسی، انقلاب اسلامی، تاریخ
قانون اساسی ایران.